

خدا چون سلام به روی ماهت...

زک کهکشانی

جلد ۹: بازگشت به زمین



ناشر خیلی متفاوت کتاب‌های کودک و نوجوان!

زنگ تفریحی ۹

بازگشت به زمین

ری اوریان
جیسون کرافت
شیدا رنجبر



سرشناسه: اورایان، ری / O'Ryan, Ray

عنوان و نام پدیدآور: بازگشت به زمین/ نویسنده ری اورایان ؛ تصویرگر جیسون کرافت ؛ مترجم شیدا رنجبر.

مشخصات نشر: تهران: نشر پرتقال، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۲۷ ص.؛ مصور: ۲۷/۵×۱۴/۵ س.م.

فرست: رک کیهکشانى ؛ ۹.

شابک: دوره: ۲-۰۴۸-۰۴۶۰-۴۶۰-۹۷۸-۶۰۰-۴۶۲-۳۲۴-۷

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: . Return to Earth, 2015

یادداشت: گروه سنی: ج.

موضوع: داستان‌های علمی

موضوع: Science fiction

موضوع: دوستی -- داستان

موضوع: Friendship -- Fiction

موضوع: موجودات فرازمینی -- داستان

موضوع: Extraterrestrial beings -- Fiction

شناسه‌ی افزوده: کرافت، جیسون، تصویرگر

شناسه‌ی افزوده: Kraft, Jason

شناسه‌ی افزوده: رنجبر، شیدا، ۱۳۴۰ - ، مترجم

زده‌بندی دوبنی: ۱۳۹۷ ب ۹۴۰ الف ۵۰ دا

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۵۴۹۵۶۷۷

۷۰۷۶۷۰۱



انتشارات پرتقال

رک کیهکشانى

جلد ۹: بازگشت به زمین

نویسنده: ری اورایان

تصویرگر: جیسون کرافت

مترجم: شیدا رنجبر

ویراستار: شهرام بزرگی

مشاور هنری نسخه‌ی فارسی: کیانوش غریب‌پور

طراح جلد نسخه‌ی فارسی: نیلوفر مرادی

آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: آتلیه‌ی پرتقال / افسانه قربانی - سحر احدی

مشاور فنی چاپ: حسن مستقیمى

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۲-۳۲۴-۷

نوبت چاپ: اول - ۹۸

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ: شهنساری

صحافی: عطف

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان



۳۰۰۰۶۳۵۶۴



۰۲۱-۶۳۵۶۴



www.porthaal.com



kids@porthaal.com

فهرست

- ۷ فصل ۱: سیاره‌ی مهم
- ۱۹ فصل ۲: آماده برای رفتن
- ۳۱ فصل ۳: زمین
- ۴۳ فصل ۴: مامان بزرگ و بابا بزرگ
- ۵۵ فصل ۵: فورکیوس - هَدگئیوس
- ۶۷ فصل ۶: فرار لونا
- ۷۹ فصل ۷: خانگی قدیمی
- ۸۷ فصل ۸: به دنبال لونا
- ۱۰۳ فصل ۹: فروشگاه حیوانات خانگی
- ۱۱۳ فصل ۱۰: استخوان





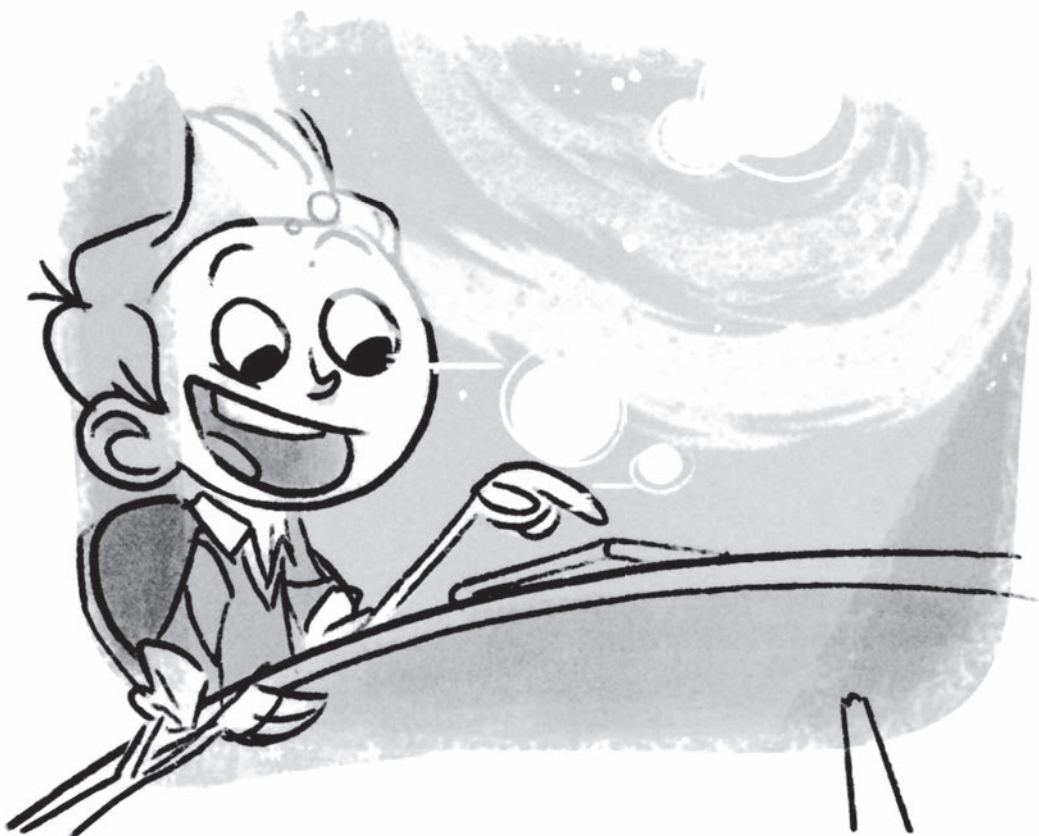
فصل ۱

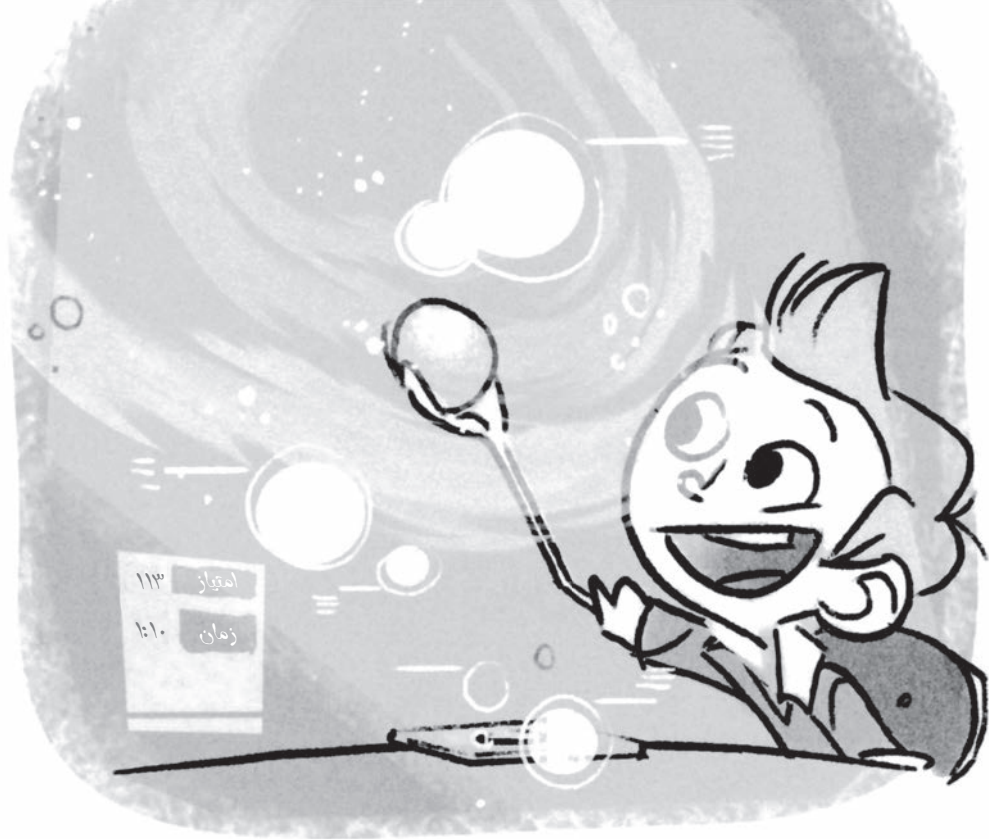
سیاره‌ی

مهم

زک نلسون پشت میز آشپزخانه نشست. او توی خانه‌شان روی سیاره‌ی نیولون بود. یک تصویر هولوگرامی سه‌بعدی از سیاره‌های توی فضا، بالای میز آشپزخانه معلق بود. زک با خودش زمزمه کرد: «این بازی سیاره‌یاب که بابا از نیولونیکس آورده خانه، چه قدر انگور است!»

زک انگشتش را روی صفحه‌ی نمایشگر کوچکی حرکت داد و گفت: «با این بازی، جای سیاره‌هایی را که تا حالا

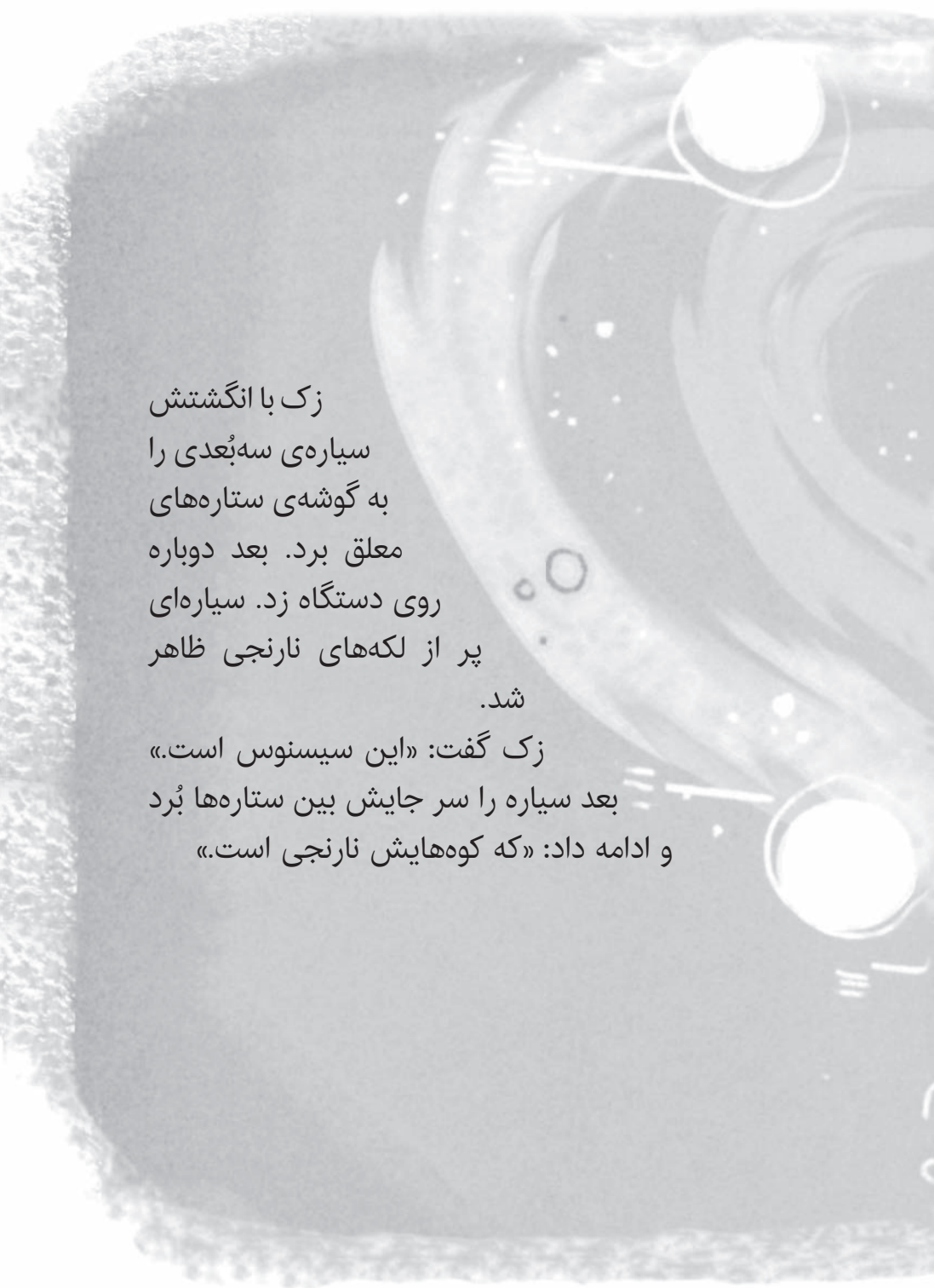




رفته‌ام، پیدا می‌کنم. وقتی سیاره‌ای را که رفته‌ام، نشانم می‌دهد، باید مشخص کنم جایش توی فضا کجاست.»
یک تصویر هولوگرامی سه‌بعدی از سیاره‌ی آبی کوچکی بین ستاره‌ها مشخص شد.

زک گفت: «این آراکس
است. جایش هم اینجاست.»






زک با انگشتش
سیاره‌ی سه‌بُعدی را
به گوشه‌ی ستاره‌های
معلق برد. بعد دوباره
روی دستگاه زد. سیاره‌ای
پر از لکه‌های نارنجی ظاهر
شد.

زک گفت: «این سیسنوس است.»
بعد سیاره را سر جایش بین ستاره‌ها بُرد
و ادامه داد: «که کوه‌هایش نارنجی است.»

از بیرون صدای لونا
آمد که واقواق می کرد.

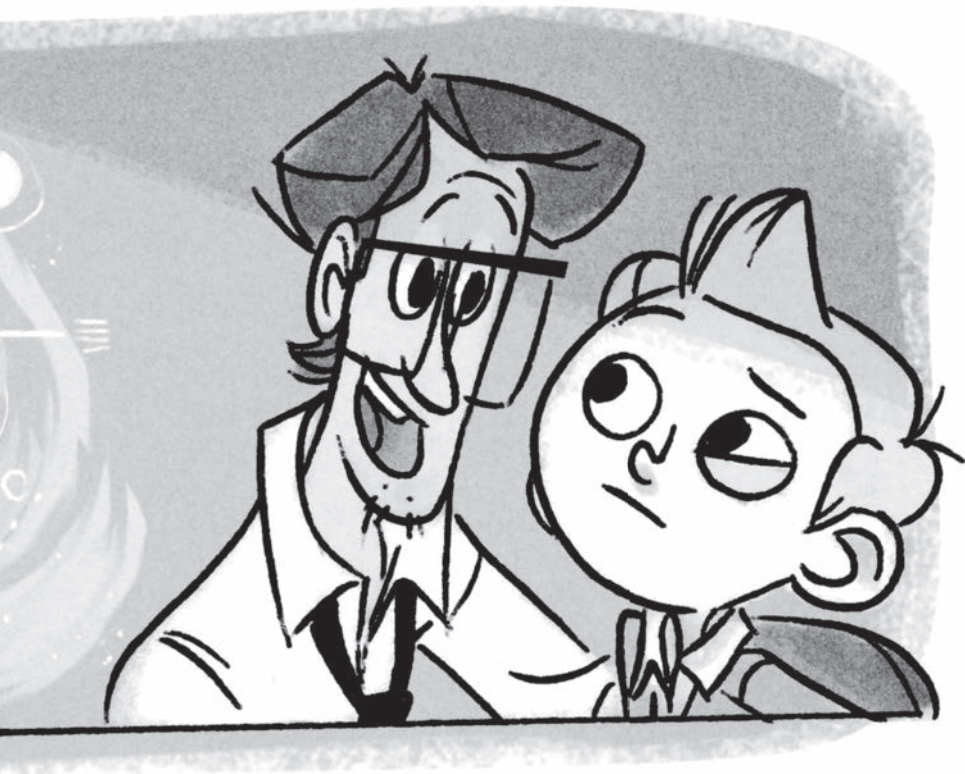


زک گفت: «اگر لونا هم این کوهها را می دید، به نظرش
عجیب می آمدند.»
بعد جای چند سیاره ی دیگر را هم مشخص کرد که از
وقتی با خانواده اش به نیولون آمده بودند، دیده بود.

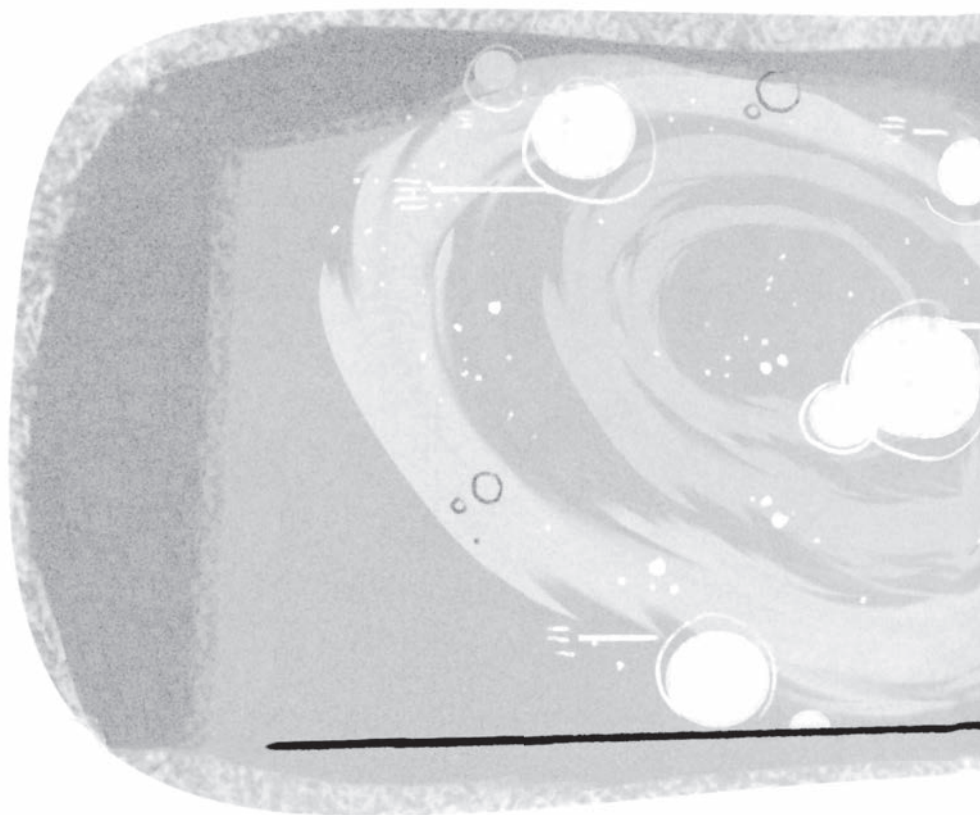


در آسانسور آشپزخانه باز
شد. پدر زک، آتو نلسون، به
آشپزخانه آمد. از محل کارش
در نبولونیکس برگشته بود
خانه.

پدر به سیاره‌هایی که بالای
میز آشپزخانه توی مدارشان
می‌چرخیدند، نگاه کرد و
گفت: «سلام، خلبان. آفرین!»



زک با افتخار گفت: «این‌ها همه سیاره‌هایی هستند که
تا حالا رفته‌ام.»
پدر گفت: «فکر کنم یکی را جا انداخته‌ای. یکی که خیلی
هم مهم است. اتفاقاً نپولونیکس می‌خواهد برای سفری



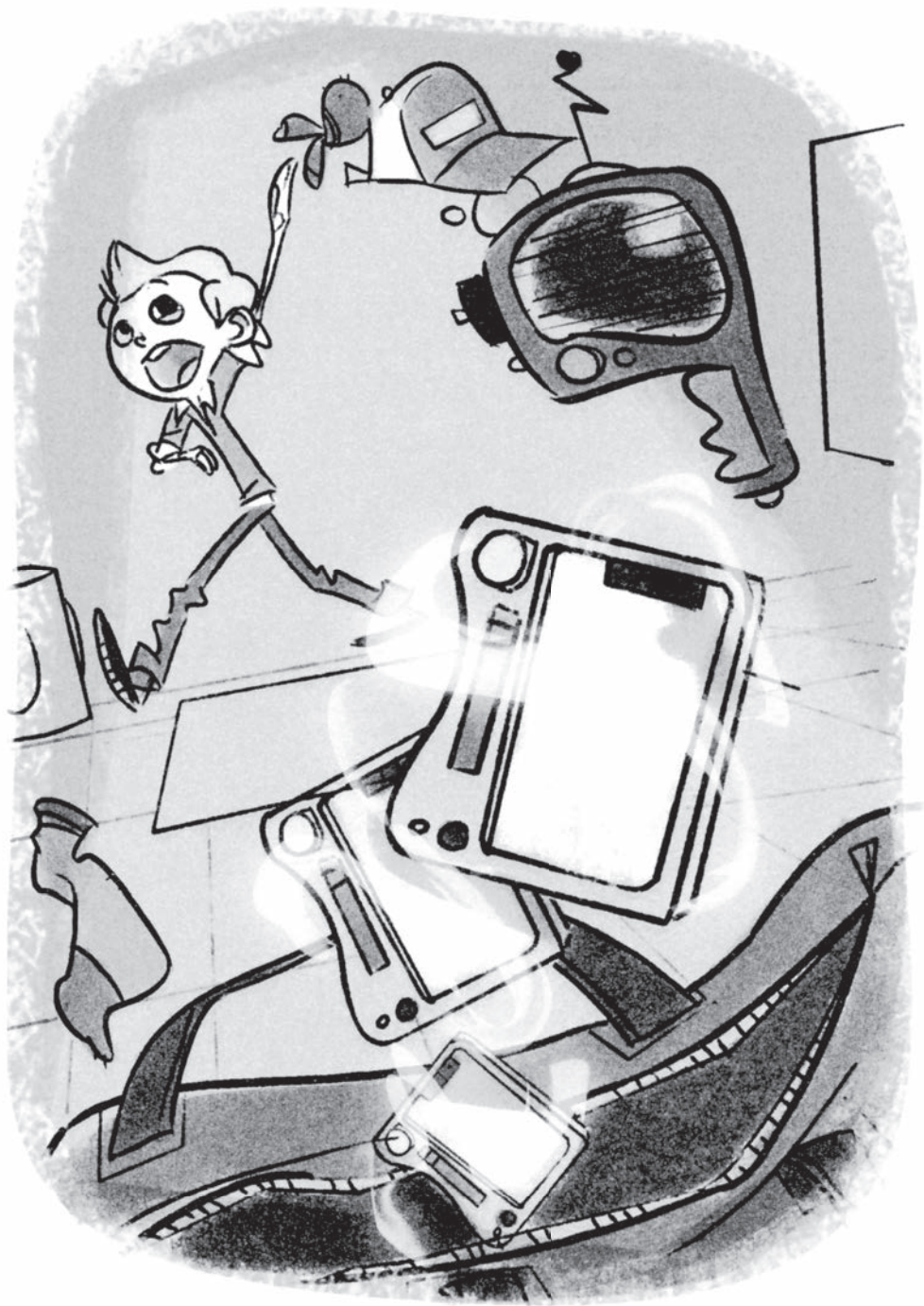
کاری، من را به همین سیاره بفرستد. فکر کنم خیلی خوشحال می‌شوی با من بیایی. رئیس‌م، فرد استیونز هم می‌آید؛ پسرش بست را هم می‌آورد. فکر کردیم شاید بد نباشد همراهش باشی و اطراف را نشانش بدهی.»



وقتی زک تازه به نیولون آمده بود، رفتار ست با او خوب نبود. البته ست هنوز هم بعضی وقتها کمی قلدری می کرد، اما حالا دیگر باهم دوست شده بودند.
زک گفت: «پس، لابد سیاره ای است که قبلاً رفته ام.»

پدر گفت: «بله.»
زک گفت: «جونو؟ پلکسوس؟ گِلوکو؟» بعد به سیاره‌های
سه‌بُعدی که بالای میز معلق بودند، نگاه کرد.
لبخند پِت‌وِپِهنی روی صورت پدر نقش بست و گفت:
«نه. به آن سیاره می‌گویند... زمین!»





فصل ۲ آماده برای رفتن

زک توی اتاقش ساک کیسه‌ای مافوقِ جادارش را بیرون آورد. باید سریع وسایلش را جمع می‌کرد؛ قرار بود فردا مستقیم از مدرسه به زمین بروند. زک لباس‌ها، وسایل و بقیه‌ی چیزهایش را توی ساک گذاشت. هر چیزی را که توی ساک می‌گذاشت، سریع اندازه‌اش کوچک می‌شد.

این طوری کلی وسیله توی ساک جا
می شد و بعد که آن ها را در می آورد، دوباره
به اندازه ی عادی شان بر می گشتند.

